

مسئولیت کیفری ناشی از نقض حقوق مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران

مهدی محسنی^۱

محمد محسنی^۲

چکیده

حقوق مالکیت صنعتی با تشویق به نوآوری، نقش بسزایی در شکوفایی اقتصادی دارد و کشورهای در حال توسعه همچون ایران باتصویب قوانین کارآمد می‌توانند به پیشرفت صنعت و تولید کمک نمایند و واضح است که صرف وجود مقررات مناسب بدون اجرای صحیح آنها در دادگاه‌ها مثمر نبوده و اگرچه نظریه‌هایی همانند لزوم گردش آزاد اطلاعات، توسعه تعاون اجتماعی و آراء فقهی نظیر عدم مطابقت حمایت از مالکیت فکری با نظامات اسلامی، حمایت از مالکیت فکری را موجه نمیدانند ولی به جهت نقش بنیادین این حمایت در بالا بردن شاخص پیشرفت علمی، اجتماعی و اقتصادی جوامع، شناخت حقوق برای پدیدآورندگان اموال فکری و حمایت از آنها چه در سطح جهانی، چه داخلی و نیز حوزه فقهی مورد پذیرش قرار گرفته و بتدریج حوزه آن گسترش یافته است. با اندکی تسامح می‌توان گفت که امروزه حمایت از حقوق پدیدآورندگان اموال فکری یک اصل مسلم است و اما این که در جهت حمایت، چه راهکارهای حمایتی اتخاذ گردد و نحوه حمایت چگونه باشد محل مناقشه بین حقوقدانان می‌باشد و از جمله این مناقشات، بحث در مورد لزوم یا عدم لزوم حمایت کیفری و در فرض لزوم چگونگی آن است. در این مقاله پس از بررسی مفهوم مالکیت صنعتی و اقسام آن به بررسی ضمانت اجرا کیفری ناشی از نقض حقوق مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی پرداخته و می‌بینیم که چه ضمانت‌اجراهای کیفری در حمایت از مالکیت صنعتی بنیان نهاده شده است.

کلیدواژه‌ها: مالکیت صنعتی، نقض حقوق، ضمانت اجرای کیفری، حقوق ایران، کنوانسیون‌های

بین‌المللی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق ثبت (نویسنده مسؤول) - mahdimohseni896@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل/دانشگاه شهید بهشتی - mohseni.e@outlook.com

مقدمه

مالکیت، اساس گردش چرخه زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود که به جرأت می‌توان اذعان داشت نزدیک‌ترین علقه‌ای که بشریت از همان ابتدای تاریخ داشته، با مال بوده است و اهمیت مالکیت تا آنجاست که آن را در زمره حق و از ارکان عدالت نیز دانسته‌اند و در واقع مالکیت یکی از مؤلفه‌های حق و همچون آزادی و دموکراسی جزء حقوق اساسی و اولیه انسان به شمار می‌رود و در نتیجه جامعه‌ها مجبورند که در تعهد خود برای حفظ حق مالکیت در برابر اهداف دیگر توازن برقرار کنند و به همین دلیل ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق مالکیت را در زمره حقوق اولیه انسان‌ها دانسته است و به موجب این ماده: «هر شخصی منفرداً یا به طور اجتماع حق مالکیت دارد و احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود».

در اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر چند مالکیت به عنوان حقوق ملت ذکر نشده اما در مقابل، اصل چهل و چهارم، مالکیت خصوصی را از پایه‌های نظام اقتصادی جمهوری اسلامی شناخته و دو اصل چهل و ششم و چهل و هفتم به صراحت آن را مورد حمایت قرار داده‌اند.

به موجب اصل چهل و ششم: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.» و طبق صدر اصل چهل و هفتم قانون اساسی نیز: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است؛ مالکیت فکری بخشی از مالکیت است که حاصل فکر و اندیشه انسان بوده و دولت‌ها مبادرت به پیش‌بینی حقوق انحصاری، اختصاصی و البته موقتی برای آفریننده آن در قوانین و مقررات نموده‌اند.»

حقوق مالکیت فکری بر دو قسم است: حقوق مالکیت صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری. به نظر، مالکیت صنعتی عبارت است از مالکیت انسان بر آنچه که اندیشه وی در حوزه صنعت و تجارت آفریده و یا به طریق قانونی یا به صورت اعتباری از آن خود کرده، که از انواع مالکیت‌هایی است که در ذیل مالکیت خصوصی، مورد حمایت عام قانون اساسی قرار گرفته است. مالکیت ادبی و هنری نیز شاخه دیگری از مالکیت معنوی است که به حقوق ناشی از کپی‌رایت و حقوق مرتبط با آن می‌پردازد.

در ادامه به بررسی مفهوم مالکیت صنعتی خواهیم پرداخت و با این نهاد حقوقی آشنا خواهیم شد، و بعد از آن به بررسی مسئولیت کیفری ناشی از نقض حقوق مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران خواهیم پرداخت و خواهیم دید که قانون‌گذار ایران چه ضمانت‌اجراهای کیفری در حمایت از مالکیت صنعتی پیش‌بینی نموده و این نهاد حقوقی را مورد حمایت خود قرار داده است.

۱- مفهوم مالکیت صنعتی و مبانی حمایت از آن

در این قسمت ابتدا مفهوم مالکیت صنعتی به عنوان شاخه‌ای از مالکیت فکری مورد بررسی قرار خواهد گرفت و متعاقباً مبانی حمایت از این دسته از اموال فکری ارزشمند مورد تحلیل واقع خواهد شد.

۱-۱- مفهوم مالکیت صنعتی

امروزه نقش مهم حقوق مالکیت صنعتی در تجارت بین الملل، تجارت الکترونیک، سرمایه‌گذاری و روابط اقتصادی روبه رشد بر کسی پوشیده نیست. به طور کلی نظام حقوق مالکیت صنعتی به عنوان یکی از مسائل بنیادین سیاست نوین اقتصادی در سطح ملی و بین المللی و ابزاری مهم برای توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته معرفی شده است، به اضافه این که حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت صنعتی عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده در تسهیل موجبات انتقال فناوری و نیز در جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های معین اقتصادی است که برای توسعه پایدار امری حیاتی تلقی می‌شود و در کشورهایی که در روند آزادسازی، سیاست‌های اقتصادی و صنعتی را تجربه می‌کنند، وجود نظام مالکیت فکری قوی و نیرومند، یکی از مهمترین عوامل ضروری برای تضمین روند آزادسازی است که یکی از نتایج مهم آن می‌تواند تجدید ساختار بخش‌های صنعتی و تجاری و در نهایت تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط برای استفاده از نظام مالکیت فکری به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و فناوری ملی باشد. در تعریف و مفهوم مالکیت صنعتی به طور کلی می‌توان گفت: مالکیت صنعتی، مجموع حقوق و سلطه اقتداری است که بر موضوعات مختلف صنعتی، نظیر اختراعات و هرگونه پدیده خلق‌شده‌ای که خصوصیات صنعتی یا تجاری داشته باشد، بار می‌شود و به مالک آن حق می‌دهد تا به طور انحصاری، ولی موقتی از آن استفاده و بهره‌برداری نماید. (امامی، ۱۳۹۰: ۳۶)

از مالکیت صنعتی، تعریف قانونی در نظام حقوقی ایران و در نظام حقوقی بسیاری از کشورهای جهان از جمله فرانسه، انگلیس، و... ملاحظه نمی‌گردد و به نظر می‌رسد علت خودداری قانون‌گذاران از تعریف قانونی مالکیت صنعتی، تنوع موضوعات آن باشد که هریک از موضوعات مالکیت صنعتی، اوصاف و ویژگی‌های مخصوص خود را دارد و جمع کردن خصوصیات مختلف موضوعات متعدد مالکیت صنعتی در یک تعریف قانونی که بتواند جامع و مانع باشد چندان آسان نیست و به فرض امکان نیز در عمل مشکلات فراوانی در پی خواهد داشت و شاید به همین دلیل در کنوانسیون‌های بین المللی از جمله کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مورخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳ و اصلاحات انجام

شده در این کنوانسیون نیز، مالکیت صنعتی تعریف نشده است و بعضی از حقوقدانان هم از تعریف مالکیت صنعتی خودداری کرده اند. (جعفرزاده، ۱۳۸۷: ۲۳۵)

اما همانطور که گفته شد در تعریف مالکیت صنعتی به طور کلی می توان گفت: مالکیت صنعتی، مجموع حقوق و سلطه یا اقتداری است که بر موضوعات مختلف صنعتی، نظیر اختراعات و هرگونه پدیده خلق شده ای که خصوصیات صنعتی یا تجارتي داشته باشد، بار می شود و به مالک آن حق می دهد تا به طور انحصاری ولی موقتی از آن بهره برداری کند.

۱-۲-۱- مبانی حمایت از مالکیت صنعتی

مبانی و علل حمایت از مالکیت صنعتی، همانند سایر اموال می تواند در قالب قاعده احترام مال قرار گیرد و مقصود از آن مصونیت اموال مردم از تجاوز و تعدی و نگه داشتن احترام مال آنان است؛ با این حال علاوه بر قاعده کلی فوق، دلایلی ویژه، حمایت از مالکیت صنعتی را توجیه می نماید و این دلایل که برخی جنبه عمومی دارند، صرف نظر از ایرادهای برخی از نویسندگان بر اصل حمایت از مالکیت صنعتی می باشد و توضیح این که برخی معتقدند حسب اصل جریان آزاد اطلاعات، مردم باید آزادانه به اطلاعات دسترسی داشته باشند و حمایت از مالکیت صنعتی ضمن تأثیر نامطلوب بر ارتقا سطح نوآوری، در نهایت اصل رقابت آزاد را در نطفه خفه می نماید و این ادعا هیچ گاه نمی تواند صحیح باشد و ذکر دلایل حمایت از مالکیت صنعتی نیز می تواند این ادعا را در مبدأ از حرکت باز دارد و این دلایل نیز به شرح ذیل هستند: (میر حسینی، ۱۳۹۲: ۱۸۶)

۱-۲-۱-۱- ترغیب خلاقیت

تقریباً کلیه حقوق مالکیت صنعتی از ویژگی های نو و مبدعانه برخوردارند و برای تحصیل آن ها تلاش های فراوانی شده است و حمایت از این دسته از مطالعات ارزشمند، آنالیزهای لازم را برای پدید آوردنندگان آن به منظور خلق مجدد آثار ارائه می دهد و زمینه های داشتن امنیت لازم برای سرمایه گذاری را فراهم می آورد. برای مثال در دعوی cov Bicon corp oil Kewanee که در دادگاه بخش رود ایلند مطرح شد دادگاه به صراحت بر حمایت از مالکیت صنعتی بر مبنای فوق الذکر تأکید نموده است و ترغیب به خلاقیت را از جهات مهم حمایت دانسته است. (نظام الملکی، ۱۳۹۷: ۳۴۱)

۱-۲-۲- ممانعت از رویه‌های ضد رقابتی

در اقتصاد امروز اصل بر رقابت آزاد میان عالم تجاری و اقتصادی است. این اصل، مقتضی آن است که هر کس در گستره بازار آزاد رقابتی می‌تواند با رعایت قواعد قانونی وارد شبکه تولید و توزیع شده و با ارائه کالاها و خدمات بیشتر، تلاش هر چه مضاعف برای جلب مشتری نماید و حقوق رقابت، مبنا اصلی این رویه‌های بازاری است و در عین تنظیم و ممانعت از ایجاد انحصار سعی بر آن دارد تا از رویه‌ها و رقابت غیرمنصفانه جلوگیری نموده و اشاعه دهندگان و مرتکبان آن را مجازات نماید و یکی از مهمترین مصداق‌های جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه و ناعادلانه، جلوگیری از سوء استفاده از حقوق مالکیت صنعتی از طریق تحصیل متقلبانه آن‌ها می‌باشد و در صورتی که رقیبا بتوانند به هر طریق از اسرار تجاری رقیب خود آگاه شوند، می‌توانند با پیش‌بینی آینده کاری رقیب خود، به راحتی اقداماتی را به عمل آورند که باعث جلوگیری از ایشان و حذف رقیب مقابل و در نهایت ورود ضرر به مال اسرار تجاری شود و به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ما با لحاظ این دلیل، در مورد اسرار تجاری در بستر فضای مجازی اقدام به وضع ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ نموده که اشعار می‌دارد: «به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و موسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیک، جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید. و به موجب این قاعده، تحصیل و سوء استفاده از حقوق مالکیت صنعتی متعلق به دیگری، سبب نقض قواعد حقوق رقابت و گسترش عدم امنیت و ربا در معاملات می‌گردد.» (شیخی، ۱۳۹۶: ۱۸۵)

۱-۲-۳- حق انحصاری اشخاص بر حقوق مالکیت صنعتی خود

تمام اشخاص، دارای حق انحصاری نسبت به تراوشات ذهنی خود می‌باشند که به استناد آن، حق نظارت بر انتقال، فروش، استفاده و ممانعت از هرگونه سوء استفاده تجاری و اقتصادی و افشای غیرمجاز را دارند و این حق، شبیه به حق مالکیت است اما تفاوت آن با حق مالکیت آن است که ایرادهایی نظیر لزوم مادی بودن موضوع مالکیت را در خود ندارد و لذا، در صورتی که هر شخص بتواند به راحتی حقوق مالکیت صنعتی دیگری را فاش نماید، این حق بنیادین وی مورد نقض قرار می‌گیرد و دیگر جایی برای اعمال این حق باقی نمی‌ماند و هر سری که افشا شود مالکیت خود را از دست داده است و همه می‌توانند به راحتی از آن استفاده نمایند، بدون این که بتوانند مانع یکدیگر در تجاری‌سازی شوند و البته برخی از نویسندگان معتقدند آن دسته از مصادیق حقوق مالکیت صنعتی مالک تلقی می‌شوند

که بر داشتن سایه حمایتی قانون و اجازه دسترسی آزاد به آن‌ها معادل جواز تجاوز به حقوق مالکیت و به بیانی صریح‌تر ائتلاف مال دیگران باشد و به نظر می‌رسد این دیدگاه صحیح نباشد، زیرا حقوق مالکیت صنعتی همواره ارزشمند است و به دارنده آن مزیت رقابتی برتر می‌دهد و همین ارزشمندی به طور ضمنی دلالت بر مالکیت داشتن مالکیت صنعتی می‌نماید، وانگهی هم‌چنانکه برخی نویسندگان همچون دکتر امامی به درستی اذعان داشته‌اند، در علم اقتصاد به جای لفظ مال از اصطلاح ارزش و به جای لفظ مالیت از اصطلاح ارزشمندی استفاده می‌نمایند و بنابراین باید ابراز نظر نمود که در گستره مالکیت صنعتی، مالک، حقوق شبه مالکیت را بر مال خود دارد و می‌تواند هر تصرف مادی و حقوقی نسبت به آن اعمال نماید.

۱-۲-۴- منع دارا شدن بلاجهت

یکی دیگر از دلایلی که برای حمایت از مالکیت صنعتی می‌تواند مورد نظر قرار گیرد، قاعده عقلی منع دارا شدن بلاجهت است و توضیح این که در صورت پذیرش مالکیت حقوق ناشی از مالکیت صنعتی به عنوان یک مال منتقل و ارزشمند، هرگاه کسی بدون احراز هر یک از اسباب ذکر شده در ماده ۱۴۰ قانون مدنی بر این حقوق استیلا یابد و در آن‌ها تصرف نماید، به صورت ناعادلانه بر آن‌ها مستولی شده است و در صورت وضع ید، ضامن بوده و باید اجرت المثل منافع استیفاء شده را به مالک آن بپردازد و البته این امر در صورتی اتفاق می‌افتد که شخص ثالث بدون اذن بر این حقوق دست یافته باشد و گرنه هنگامی که شخص، خود مبادرت به آفرینش این دسته از اموال فکری ارزشمند نماید، حسب قاعده حیات، دارنده تلقی شده و می‌تواند انحاء تصرفات مادی و حقوقی را در مالکیت صنعتی خود به عمل آورد. حسب آن‌چه ذکر گردید می‌توان دریافت حمایت از مالکیت صنعتی امری الزامی و ضروری به نظر می‌رسد و نظر کسانی که بر عدم امکان حمایت از این دسته اموال فکری ارزشمند به استناد اصل دسترسی آزاد به جریان اطلاعات استدلال می‌نمایند، موجه نمی‌باشد و می‌توان گفت پذیرش نظریه لزوم حمایت از مالکیت صنعتی و به طور کلی مالکیت معنوی به عنوان مال، چه در قالب حمایت‌های قراردادی، چه حمایت‌های غیرقراردادی، منافع بسیاری در جهت رشد اقتصادی جامعه در بردارد و مضرات اندکی را که منتقدین حمایت از مالکیت صنعتی مطرح می‌نمایند، را رفع می‌کند.

۲- بررسی مختصر کنوانسیون‌ها و قوانین مرتبط با مالکیت صنعتی

در خصوص مالکیت فکری که مالکیت صنعتی نیز خود قسمتی از آن می‌باشد کنوانسیون‌ها و قوانین مختلفی از قبیل کنوانسیون تریپس، کنوانسیون پاریس، موافقت‌نامه لاهه، معاهده لوکارنو، توافق‌نامه

مادرید، کنوانسیون برن، قانون الحاق ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مصوب ۱۳۸۰، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و غیره وجود دارد که در زیر به دلیل جلوگیری از اطاله کلام تنها به دو مورد اشاره شده و بررسی می‌گردد.

۲-۱- کنوانسیون پاریس

کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در تاریخ ۲۱ مارس ۱۸۸۳ میلادی در شهر پاریس به امضا رسید. این معاهده که از کلیدی‌ترین توافق‌نامه‌های بین‌المللی در حوزه مالکیت فکری به شمار می‌رود، ناظر بر "مالکیت صنعتی" بوده که گستره وسیعی از موضوعات، شامل ثبت اختراعات، علائم و نشان‌های تجاری، طراحی‌های صنعتی، یوتیلیتی مدل‌ها، اسامی تجاری، نشانه‌های جغرافیایی (نشانی‌ها و اسامی مبدأ)، و جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه را در برمی‌گیرد.

از لحاظ تشکیلاتی نیز کنوانسیون پاریس، دارای یک مجمع و یک کمیته اجرایی است و تمامی دولت‌ها که سطح حداقلی از مقررات اجرای توافق استکلهم (۱۹۶۷ میلادی) را پذیرفته باشند، می‌توانند عضوی از این مجمع باشند. در این میان، کشور سوئیس یک استثناء محسوب شده و همواره در کمیته اجرایی عضویت دارد. اما سایر اعضا مجمع را، کشورهای عضو کنوانسیون برمی‌گزینند. گفتنی است که ایران نیز برای نخستین بار، در سال ۱۳۳۷ (قانون مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۳۷) به این کنوانسیون ملحق گردید و در ادامه، در آذرماه ۱۳۳۷، الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آخرین اصلاحات این کنوانسیون نیز رسمی گشت. لازم به ذکر است که مقررات و دستورالعمل‌های اصلی کنوانسیون پاریس به سه دسته اصلی موضوعات ملی، حق اولویت و قوانین مشترک تقسیم می‌شوند که بررسی آن در این مقال نمی‌گنجد.

۲-۲- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت

معنوی مصوب ۱۳۸۰

در جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده واحده مصوب ۱۳۸۰/۷/۴ مجلس شورای اسلامی، به دولت اجازه داده شده است که به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی امضاء شده در استکلهم به تاریخ چهاردهم جولای ۱۹۶۷ میلادی با اصلاحات بعدی بپیوندد.

در خصوص سابقه تشکیل سازمان جهانی مالکیت معنوی نیز باید گفت که پس از تصویب کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۳ برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و تصویب کنوانسیون برن در سال ۱۸۸۶ برای حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری، هریک از این دو کنوانسیون برای اداره امور خود اداره‌ای را پیش‌بینی کردند و در سال ۱۸۹۳ میلادی نیز یک دفتر بین‌المللی مشترک بنام دفتر بین‌المللی متحد

برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی جهت انجام امور اتحادیه های فوق تأسیس گردید و این دفتر نیز تا سال ۱۹۶۷ میلادی زیر نظر دولت کنفدراسیون سوئیس اداره می شد. در سال ۱۹۶۷ نیز کنوانسیون سازمان جهانی مالکیت معنوی دراستکلهم به تصویب رسید و از جمله وظایف آن نیز تأیید خدمات اداری اتحادیه های پاریس و برن و دیگر اتحادیه های مخصوص که در رابطه با اتحادیه های مزبور تأسیس شده اند، می باشد. این سازمان در سال ۱۹۷۴ به عنوان یکی از سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد پذیرفته شده است.

۳- مسئولیت کیفری ناشی از نقض حقوق مالکیت صنعتی

در بخش نخست دیدیم که هم اخلاق و هم نظم عمومی و نیز بعضاً مصلحت و دگرگونی های اجتماعی، اقتضای این را دارند تا در برابر نقض حقوق مالکیت صنعتی از شدیدترین حربه حقوقی یعنی کیفر بهره گیری شود و بنابراین با توجیه جرم انگاری، دسته ای از جرایم شکل می گیرد به نام جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی. حال پرسش بنیادین و اولیه این است که رفتارهای ناقض حقوق مالکیت صنعتی در زمره چه دسته ای از جرایم قرار می گیرد؟ جرایم مالی، جرایم اقتصادی یا اینکه این گونه رفتارها خود دسته ای مستقل به شمار می روند؟ پاسخ به این سوال این نتیجه را خواهد داشت که جرایم ضد حقوق مالکیت صنعتی را از دریچه چه موضوعی بررسی کنیم؛ مالی، اقتصادی، تجاری یا چیز دیگر؟ در ادامه سعی در پاسخ به سوال بالا خواهیم داشت تا پی به ماهیت این جرایم ببریم و یافته های خود را بر اساس نوع، دسته بندی کنیم تا به نتیجه ای مناسب برسیم.

۳-۱- نوع جرایم علیه مالکیت صنعتی

عنوان «جرایم مالی» ناظر به جرایمی است که مرتبط با مال هستند اعم از اینکه مال موضوع جرم باشد یا وسیله جرم و در کنار این عنوان گاه عنوان «جرایم علیه اموال» نیز مطرح می گردد که متناظر به رفتارهای مجرمانه بر ضد مال یا به طور دقیق تر حق مالی است؛ به عبارت دیگر مال در جرایم علیه اموال موضوع جرم است و این ادعا را می توان از قرینه علیه یا ضد دانست و با این حال غالباً جرایم مالی و جرایم علیه اموال یکی دانسته می شود و به جای هم نیز به کار برده می شود، در حالی که می توان بین این دو جدایی انداخت و به این صورت که جرایم مالی ناظر به جرایم مرتبط با مال است؛ خواه مال نقش موضوع را داشته باشد مانند کلاهبرداری و سرقت و خواه مال نقش وسیله جرم را داشته باشد مانند ارتشاء و ربا که در این دو جرم عمل مجرمانه بر ضد مال نیست؛ اما اگر مالی در میان نباشد جرم نیز واقع نمی گردد و در واقع وسیله ضروری ارتکاب جرم است و از این رو ارتشاء و ربا در زمره جرایم مالی

محسوب می‌شوند هر چند آن‌ها را از حیث اعتباری و انتزاعی می‌توان در دسته جرایم علیه آسایش عمومی نیز قرار داد و در این دو جرم مال الرشا و مال الربا هر دو وسیله ارتکاب جرم به شما می‌روند نه هدف اصلی که جرم به خاطر آن ارتکاب یابد، زیرا در این دو جرم قبل از اینکه به مال و صیانت از آن و احترام به علقه مالکیت توجه شود، به سلامت روابط اداری و صحت روابط معاملی و تجاری پرداخته می‌شود و جنبه عمومی و دولتی داشتن مال و شخصیت مرتکب نیز می‌تواند از معیارهای تفکیک جرایم علیه اموال و جرایم مالی شود، به عنوان مثال جرم اختلاس اموال عمومی و دولتی در زمره جرایم مالی به حساب می‌آید و حال آن که آن را در ذیل جرایم علیه اموال قرار نمی‌دهند و البته قسمتی از جرم اختلاس که برداشت و تصاحب اموال اشخاص است می‌تواند به عنوان جرم علیه اموال تلقی شود، زیرا موضوع جرم در این جا اموال اشخاص است نه دولت و شخصیت مرتکب یعنی کارمند بودند نیز تأثیری در ماهیت آن نخواهد داشت و همچنین رضایت یا عدم رضایت نیز می‌تواند در برخی عناوین مجرمانه به عنوان معیار نسبی تفکیک جرایم مالی از جرایم علیه اموال گردد و در جرایم علیه اموال، عدم رضایت صاحب یا متصرف قانونی مال از عناصر لازم برای تحقق عنوان مجرمانه است و حال آن که در برخی از جرایم مالی مانند رشا، ربا و اخذ پورسانت؛ رضایت صاحب مال از اجزای الزامی برای تحقق رکن مادی جرم به حساب می‌آید. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۴: ۱۸۶)

به سخن دیگر در رکن مادی جرایم علیه اموال، عدم رضایت و به عکس در رکن مادی برخی جرایم مالی، رضایت، شرط تحقق جرم است که بدون آن‌ها عناوین مجرمانه محقق نمی‌گردد و با توجه به این معیار که جرایم مالی به جرایمی گفته می‌شود که در تحقق آن‌ها ممکن است مال از یک سو به عنوان هدف یا موضوع جرم مطرح شود و از سوی دیگر به عنوان وسیله جرم، بین جرایم مالی و جرایم علیه اموال رابطه عموم و خصوص مطلق است و عنوان «جرایم مالی» در بردارنده مصادیق جرایم علیه اموال نیز خواهد بود و برخی اصطلاح جرایم علیه اموال، ایرادپذیر دانسته شده و معتقدند که به جز جرم تخریب در سایر جرایم علیه اموال، ضرری به خود مال زده نمی‌شود بلکه صدمه به حقوق مالکانه اشخاص وارد می‌آید و به این دلیل شاید اصطلاح جرایم علیه حقوق مالی، اصطلاح صحیح‌تری نسبت به اصطلاح «جرایم علیه اموال» می‌باشد اما باید گفت حق مالی با مال تفاوتی ندارد و از ریشه حق مالی، مال محسوب می‌گردد زیرا همیشه مال تعبیر عاری از وجود حق مالی است، یعنی رابطه اعتباری که شخص را به مال مربوط می‌کند و مفهومی جدای از آن ندارد. زیرا اشیاء مادی به این اعتبار که مال اشخاص قرار می‌گیرد، مال محسوب می‌شود، اگر می‌گوییم: این شیء مال ما می‌باشد

در حقیقت تعبیر از این است که بر آن حق مالکیت داریم و لذا حقوق ناشی از مالکیت صنعتی به عنوان قسمتی از حقوق مالی نیاز به حمایت دارد و یکی از این نوع حمایت ها، حمایت کیفری می باشد و در ادامه به بررسی حمایت کیفری از حقوق ناشی از مالکیت صنعتی خواهیم پرداخت و بعد از بررسی مراجع قضایی صالح به بررسی ضمانت اجرای کیفری که قانون گذار برای نقض حقوق ناشی از مالکیت صنعتی معین نموده خواهیم پرداخت.

۳-۲- نهادهای قضایی صالح

نهادهای قضایی صالح نهادهایی هستند که بر اساس قانون، شایستگی رسیدگی به دعاوی و پرونده‌ها را دارا هستند؛ پس نهادهای قضایی صالح برای رسیدگی به جرایم حوزه حقوق مالکیت صنعتی مراجعی هستند که به حکم قانون صلاحیت و شایستگی رسیدگی به این اعمال سرزنش آمیز را دارند و از زمان کشف آثار غیرقانونی و سرزنش آمیز تا پایان اجرای واکنش های قانونی مراجع قضایی متعدد، صلاحیت و تکلیف رسیدگی به امر کیفری را دارند و هر یک به نوبه خود امر تعقیب، دادرسی و اجرای کیفر را هدایت می نمایند و بدین منظور اولین رسالت آنها احراز صلاحیت و توانایی رسیدگی به جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی است و طبیعت خاص موضوعات مالکیت صنعتی، ضرورت پیش‌بینی و ایجاد دادگاه های تخصصی مالکیت صنعتی را اجتناب ناپذیر می نماید و محاکم تخصصی منافع و مزایای فراوانی دارند و قضات این گونه محاکم به دلیل تخصص و تجارب بالا در موضوعات حقوق مالکیت معنوی نسبت به قضات محاکم عمومی تصمیمات کاربردی تر اتخاذ کرده و آراء مستندتر و مفیدتری در جهت حمایت از دارندگان حقوق مالکیت معنوی و جلوگیری از نقض حقوق آن ها صادر می نمایند و صدور آراء متحد الشکل و منسجم و جلوگیری از صدور آراء متشتت و پراکنده از فواید دیگر این محاکم است که خود در نهایت می تواند منجر به شکل گیری دکترین حقوقی مستحکم و یکپارچه در زمینه حقوق مالکیت صنعتی گردد و این محاکم در مقایسه با محاکم عمومی در پذیرش موضوعات حوزه حقوق مالکیت معنوی از توانمندی بالایی برخوردارند و استفاده از کارشناسان و وکلای متخصص، این توانمندی را هر چه بیشتر افزایش می دهد و نحوه تفسیر و استنباط محاکم تخصصی در مقایسه با محاکم غیرتخصصی با ضروریات حقوق مالکیت معنوی هماهنگ تر است. آشنایی قضات با الگوهای رسیدگی محدود و تکراری بودن موضوعات باعث افزایش سرعت عمل آن ها می گردد و علاوه بر آن احتمال بروز خطا در تصمیم گیری نیز کاهش می یابد و کاهش رسیدگی علاوه بر صرفه جویی در وقت موجب کاهش هزینه های محاکم و کارمندان اداری آنها می گردد. (شیخی، ۱۳۹۶: ۲۴۶)

در کشور ما، اگرچه با توجه به رویه قضایی موجود و ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و ماده ۱۳ قانون حمایت از نقشه‌های جغرافیایی شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران به این دعاوی رسیدگی می‌کنند، ولی باید گفت سایر دعاوی کیفری حقوق مالکیت صنعتی که خارج از قوانین مزبور است در دادگاه محل وقوع جرم رسیدگی می‌شوند که به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱- نهادهای تعقیبی

پس از کشف جرم، دادسرا تحقیقات مقدماتی را تا پایان اظهار نظر نهایی در خصوص اقدام ضد حقوق مالکیت صنعتی عهده دار می‌گردد و همانطور که بیان گردید، در صورت تخصصی بودن نهاد تعقیب، مزایای ایجاد محاکم تخصصی بر امر تحقیق نیز حاکم خواهد بود و با توجه به بند الحاقی ماده ۲۳ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، دادسرا عهده دار تعقیب جرایم به ریاست دادستان می‌باشد و از آنجایی که رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای قواعد به خصوص در صلاحیت شعب خاصی از محاکم عمومی تهران است و در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا در معیت دادگاه‌های آن حوزه انجام وظیفه می‌نماید و لذا تحقیقات مقدماتی جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی بر عهده دادسرای عمومی و انقلاب تهران است که یکی از نواحی این دادسرا برای تعقیب جرایم حوزه مالکیت صنعتی تعیین گردیده است. البته ذکر این نکته ضروری می‌باشد که در دکترین حقوقی و رویه قضایی حاکم نظریه مخالفی نیز وجود دارد و معتقدند که مطابق ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری که مؤخر بر قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و ماده ۵۹ آن می‌باشد و مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری که آخرین اراده قانون‌گذار نیز می‌باشد جرم در هر محلی که به وقوع پیوسته در آن محل تعقیب بزه صورت می‌پذیرد و جرایم مالکیت صنعتی نیز به مانند سایر جرایم باید در محل وقوع بزه رسیدگی شود و لذا در هر محل و شهری که بزه‌ی در این خصوص به وقوع بپیوندد، دادسرای محل وقوع بزه صالح به رسیدگی می‌باشد؛ اگرچه تخصیص جرایم حوزه مالکیت صنعتی به دادسرای ویژه در مقایسه با سایر شعب و نواحی بهینه می‌باشد ولیکن با توجه به اینکه قضات دادسرای ویژه در حوزه مالکیت صنعتی فاقد تخصص و تجربه کافی بوده و به سایر جرایم دیگر حوزه‌های حقوقی کیفری نیز رسیدگی می‌کنند، ولذا می‌توان گفت تا زمان تخصصی بودن نهاد تعقیب در کشور ما مسیر طولانی باقی مانده است و از آنجا که نظام حقوق کیفری طی آیین دادرسی ویژه برای نحوه رسیدگی به جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی تدوین نگردیده است و مقام تعقیب با رعایت قواعد عام

آیین دادرسی کیفری به تحقیقات مقدماتی مبادرت می‌ورزد و اقداماتی از قبیل: استماع شکایت متضرر از بزه، احراز صلاحیت، اقدامات کافی برای جلوگیری از امحاء آثار جرم، جمع آوری ادله و مدارک ارتکاب بزه، اتخاذ تدابیر احتیاطی همانند: صدور قرار تأمین خواسته، قرار اناطه، دستور توقیف کالاهای تقلبی و تقلیدی و جلوگیری از ادامه اعمال سرزنش‌آمیز متجاوز از طریق تعطیل کردن موسسه، شرکت یا تجارت‌خانه غیرقانونی، جلوگیری از فرار متجاوز، اخذ تأمین متناسب از متهم و صدور قرارهای نهایی منع تعقیب یا جلب به دادرسی و نهایتاً کیفرخواست، مراحل تحقیقات مقدماتی است که نهاد تعقیب به منظور حمایت از حقوق مالکیت صنعتی به آن می‌پردازد. جرایم حوزه حقوق مالکیت صنعتی از جرایم غیرقابل گذشت می‌باشند و در صورت رضایت و گذشت شاکی خصوصی، تعقیب موقوف نمی‌گردد و مقام تعقیب مکلف به تعقیب ناقض از حیث جنبه عمومی بزه می‌باشد و شروع به تعقیب نیز منوط به شکایت دارنده حقوق مالکیت صنعتی نیست بلکه با اعلام و گزارش ضابطین دادگستری یا اشخاص مورد اطمینان همانند اداره مالکیت صنعتی و یا در جرایم مشهود در صورتی که قاضی ناظر بر وقوع جرم باشد، تعقیب آغاز می‌شود.

۳-۲-۲- نهادهای دادرسی

مهم‌ترین موضوع راجع به نهادهای رسیدگی کننده، پیرامون صلاحیت آنهاست. در واقع پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه کیفری، امر دادرسی بر عهده محکمه جزای محل وقوع جرم می‌باشد (ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی). لیکن در حوزه حقوق مالکیت صنعتی بر این اصل استثناء وارد شده است. در واقع ماده ۴۶ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۱۰ رسیدگی به دعاوی حقوقی یا کیفری مربوط به اختراع یا علامت تجاری در محاکم تهران به عمل خواهد آمد و اگرچه در مورد دعاوی کیفری جرم در خارج تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج تهران دستگیر شده باشد که در این صورت تحقیقات مقدماتی در محل وقوع جرم یا کشف جرم، دستگیری متهم به عمل آمده و برای رسیدگی به محاکم تهران ارجاع می‌شود و بر اساس ماد ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این قانون و آیین نامه اجرایی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه های عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد و ماده ۱۳ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی نیز مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اختلافات که به موجب این قانون و آیین نامه اجرایی آن باید به دادگاه ارجاع شود در صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب تهران

می‌باشد و همچنین ماده ۱۸۰ آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷ چنانچه در ضمن رسیدگی کیفری متهم برای دفاع از خود موضوع مالکیت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری را مطرح کند؛ دادگاه صالح مقرر در ماده ۵۹ قانون خود باید به این موضوع رسیدگی نماید و با توجه به اینکه ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، رسیدگی به امری را که اتخاذ تصمیم در خصوص آن منوط به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است را از موارد صدور قرار اناطه دانسته است و ماهیت مالکیت حقوق مالکیت صنعتی امری مدنی و خارج از صلاحیت محکمه جزاء است و لذا مقرر آیین نامه مزبور برخلاف ماده ۱۳ قواعد آمره است. بنابراین نه تنها محاکم باید از اجرای آن خودداری کنند بلکه هر ذی‌نفع نیز حق دارد از دیوان عدالت اداری ابطال آن را بخواهد و دارنده حقوق مالکیت صنعتی یا ذی‌نفع می‌تواند توقیف کالاهای موضوع نقض را از نزدیک‌ترین دادگاه محل وجود کالا درخواست کند و همچنین در هر مرحله از مراحل رسیدگی درخواست صدور قرار تأمین دلیل، دستور توقیف محصولات ناقض حقوق ادعایی و تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت آن شیء یا از ورود آن محصولات را بنماید و مراجع قضایی موظف به قبول تقاضای مذکور می‌باشند و می‌توانند قبل از صدور قرارهای مزبور از متقاضی تضمین کالا بخواهند و در صورتی که محصولات در گمرک باشند اجرای دستور فوق توسط مأمورین گمرک و ضابطین خواهد بود (ماده ۱۸۳ آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷). باید توجه داشت که دادسرا می‌تواند رأساً دستور توقیف کالاهای دارای علامت تقلبی را صادر نماید. پس از اجرای تدابیر احتیاطی مرحله تعیین ضمانت اجراهای کیفری اعم از تعیینی و تأمیننی است که در قسمت بعد به آن می‌پردازیم.

۳-۳- ضمانت اجراهای کیفری ناشی از نقض حقوق مالکیت صنعتی

در پیشینه قانونی و قانون‌گذاری کیفری ایران در برابر نقض حقوق مالکیت صنعتی نمی‌توان از تنوع و رشد کیفر که با این دسته از جرایم تناسب داشته باشد، سخن گفت. در قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ قانون‌گذار اساساً رویکردی کیفری به نقض حقوقی مالکیت صنعتی ندارد و تنها در ماده ۴۶ به امور شکلی کیفری می‌پردازد و طبق این ماده رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی مربوط به اختراع یا علامت تجاری در محاکم تهران به عمل خواهد آمد و اگر چه در مورد دعاوی جزایی، جرم در خارج تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج تهران دستگیر شده باشد که، در این موارد تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و پرونده برای رسیدگی به محاکم

تهران ارجاع می شود و با این حال حمایت کیفری از سوی قانون مجازات عمومی، آن هم نه در سال تصویب یعنی ۱۳۰۴ بلکه در سالی که قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات وضع گردید؛ صدور گواهی در پیش از انقلاب، حمایت کیفری توسط قانون عمومی راجع به جرایم و مجازات ها پیش بینی شده بود و منحصر به حبس بود و پس از انقلاب، حوزه حمایت کیفری از مالکیت صنعتی تا ابتدای دهه هشتاد قرن چهاردهم شمسی همانند رویکرد قبل از انقلاب بود ولی پس از تحولات بنیادی در حقوق مالکیت فکری و نیز ایجاد رشته های دانشگاهی در این زمینه، قانون گذاری کیفری نیز در این زمینه متنوع شد و با این حال اثری از رشد و تنوع کیفر در میان نبود و حتی رشد کیفری کاسته شده و نوع کیفر را هم عموماً به جزای نقدی یا قاضی را میان جزای نقدی و حبس مخیر ساخته است و در ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری برای نقض حقوق مالکیت صنعتی، پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها تعیین شده است در حالی که نه مجازات نقدی برای برخی نقض های این نوع حقوق که مرتکب، سود زیادی به دست آورده مناسب است و نه حبس آن قدرت بازدارندگی دارد؛ ضمن این که این دو مجازات در نهایت اختیاری هستند و هر چند قانون گذار جمع آن ها را هم در اختیار قاضی نهاده ولی قاضی می تواند پرونده را با جزای نقدی ده میلیون ریال ببندد و جالب آنکه دقیقاً همین رویکرد در ماده ۶ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب بهمن ۱۳۸۳ نیز دیده می شود و طبق این ماده هر شخصی که مرتکب اعمال مندرج در ماده ۲ این قانون شود علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد و در قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲ عمل ارتكابی شخص را تخلف شمرده نه یک جرم، با این حال برای این تخلف کیفر نقدی پیش بینی کرده است. طبق تبصره ماده ۷ این قانون، مراجع قضایی کشور مکلفند بر اساس شکایت مؤسسه و سایر اشخاص ذینفع و گزارش کارشناسی مؤسسه یا سایر مؤسسات هم تراز به موضوع رسیدگی نموده و در صورت احراز تخلف، مرتکبین را به پرداخت جزای نقدی معادل یک الی سه برابر ضرر و زیان وارده و همچنین به پرداخت ضرر و زیان وارده به شاکی مربوط در زمان صدور حکم محکوم نماید و در حقوق ایالات متحده، برای جعل علامت تجاری، حبس تا ده سال و جزای نقدی تا دو میلیون دلار پیش بینی شده است که اگر این عمل از سوی سازمان ها ارتکاب یابد، حداکثر جزای نقدی به پنج میلیون دلار افزایش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

مالکیت، اساس گردش چرخه زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود که به جرأت می‌توان اذعان داشت نزدیک‌ترین علقه‌ی ای که بشریت از همان ابتدای تاریخ داشته با مال بوده است و اهمیت مالکیت تا آنجاست که آن را در زمره حق و از ارکان عالمیت نیز دانسته‌اند و در واقع مالکیت یکی از مؤلفه‌های حق و همچنین آزادی و دموکراسی جزء حقوق اساسی و اولیه انسان به شمار می‌رود و در نتیجه جامعه‌ها مجبورند که در تعهد خود برای حفظ حق مالکیت در برابر اهداف دیگر، توازن برقرار کنند و به همین دلیل ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق مالکیت را در زمره حقوق اولیه انسان‌ها دانسته است و به موجب این ماده: «هر شخص منفرداً یا به طور اجتماع حق مالکیت دارد و احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.» و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هر چند مالکیت در حقوق ملت ذکر نشده، اما در مقابل اصل چهارم و چهارم مالکیت خصوصی را از پایه‌های نظام اقتصادی جمهوری اسلامی شناخته و دو اصل چهارم و ششم و هفتم به صراحت آن را مورد حمایت قرار داده‌اند و به موجب اصل چهارم و ششم؛ هر کس، مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند و طبق صدر اصل چهارم و هفتم قانون اساسی نیز مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و مالکیت فکری بخشی از مالکیت است که حاصل فکر و اندیشه انسان بوده و دولت‌ها مبادرت به پیش‌بینی حقوق انحصاری، اختصاصی و البته موقتی برای آفریننده آن در قوانین و مقررات نموده‌اند و حقوق مالکیت فکری نیز بر دو قسم است: حقوق مالکیت صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری. مالکیت صنعتی یا مالکیت انسان بر آنچه که اندیشه‌اش در حوزه صنعت و تجارت آفریده یا به طریق قانونی یا به صورت اعتباری از آن خود کرده، از انواع مالکیت‌ها است که در ذیل مالکیت خصوصی، مورد حمایت عام قانون اساسی قرار گرفته است. در واقع حقوق مالکیت صنعتی با تشویق و ترغیب ابداع و نوآوری نقش به‌سزایی در رشد و شکوفایی اقتصاد دارد و کشورهای در حال توسعه همچون ایران با تنظیم و تصویب قوانین و مقررات کارآمد می‌توانند به رشد و پیشرفت صنعت و تجارت و افزایش تولید و اشتغال کمک نمایند و واضح است که صرف وجود قوانین و مقررات مناسب بدون اجرای صحیح آنها در دادگاه‌ها مثرتر نخواهد بود و بنابراین اگرچه برخی نظریه‌ها همانند لزوم گردش آزاد اطلاعات، لزوم توسعه بیشتر همکاری و تعاون اجتماعی و برخی آراء فقهی نظیر عدم مطابقت حمایت از مالکیت فکری با احکام و نظامات اسلامی، حمایت از مالکیت فکری را موجه نمی‌دانند؛ اما به

جهت نقش بنیادین حمایت از حقوق مالکیت فکری در بالا بردن شاخص توسعه و پیشرفت علمی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی جوامع، شناخت حقوق برای پدید آورندگان اموال فکری و حمایت از آنها چه در سطح جهانی، چه در سطح داخلی و چه در حوزه فقهی مورد پذیرش قرار گرفته و به تدریج حوزه مصداقی و مفهومی آن در حال گسترش است. هر چند با استناد به مطالب پیش گفته می‌توان با اندکی تسامح این ادعا را مطرح نمود که امروزه حمایت از حقوق پدیدآورندگان اموال فکری یک اصل مسلم پذیرفته شده است و باید تمام امکانات موجود در راستای حمایت از این حقوق به کار گرفته شود.

منابع

۱. امامی، اسدالله (۱۳۹۳)، *حقوق مالکیت صنعتی*، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
 ۲. امامی، اسدالله (۱۳۹۰)، *حقوق مالکیت صنعتی*، تهران، نشر میزان.
 ۳. اصلانی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، *حقوق مالکیت صنعتی در ازای سایبر*، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
 ۴. امیری، حسین‌علی (۱۳۹۵)، *اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
 ۵. میرحسینی، سیدحسین (۱۳۹۲)، *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
 ۶. نظام‌الملکی، جعفر (۱۳۹۷)، *حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
 ۷. شیخی، مریم، (۱۳۹۶)، *راهبردهای قانون‌گذاری در حقوق مالکیت صنعتی*، چاپ چهارم، تهران، نشر خرسندی.
 ۸. جعفرزاده، قاسم (۱۳۸۹)، *مبانی فقهی مشروعیت حقوق فکری*، چاپ ششم، تهران، نشر مجد.
1. *Chavanne, Burst J(1998), Droit de la Propriété Industrielle, Litec, Dalloz, Français, N. 645ets.*
 2. *Correa, Carlos E(2000), IP and the WTO and Developing Countries, Zed Books, England.*
 3. *Dean, Robert(2000), The Law of Trade Secrets and Personal Secrets, Law Book co, Australia.*
 4. *Ezjak, Scott(2009), Protecting Trade secrets through Copyright, Duke Law Journal, V981.1987*

Liability of Criminal Due to the Violation of Industrial Property Rights in the Iranian Legal System

Mahdi Mohseni
Mohammad Mohseni

Abstract

Industrial property rights play an important role in the economic growth and prosperity by encouraging innovation, and developing countries such as Iran can contribute to the growth and development of industry and trade and increase production and employment by regulating and enacting effective laws and regulations. It is clear that the mere existence of appropriate laws and regulations without their proper implementation in courts may not be useful. Intellectuals do not justify the protection of intellectual property based on Islamic rules and systems, but because of the fundamental role of protection of intellectual property rights in raising the index of scientific, social, economic and industrial development of societies, recognizing the rights of creators of intellectual property and protecting them. At the global level, both domestically and in the field of jurisprudence, it has been accepted and its area of application and concept is gradually expanding. However, based on the above, it can be argued with a little tolerance that today the protection of the rights of intellectual property creators is accepted as an indisputable principle, but Advocacy is a source of controversy among legal thinkers, and among these disputes is the debate over the necessity or non-necessity of intellectual protection and, if necessary, criminal protection. In this article, after examining the concept of industrial property and its types, we will examine the guarantee of criminal enforcement due to the violation of industrial property rights in the Iranian legal system and international conventions, the Paris Convention and the Law of Accession of the Islamic Republic of Iran to the Convention establishing the World Intellectual Property Organization. We will see what guarantee of criminal enforcement is based on the protection of industrial property.

Keywords: Industrial Property, Violation of Rights, Guarantee of Criminal Enforcement, Iranian law, International Conventions